



IRAN



MANAGERS' BULLETIN

12 December 2025

۲۱ آذر ۱۴۰۴

فهرست

۲

مقدمه

۳

فست فکت

۶

«ناوگان سایه» نفتی ایران و توقیف نفتکش Skipper در کرائیب

۸

جذب جنگجو برای روسیه در جنگ اوکراین از ایران

۹

گوگوش، «عصر طلایی» و آینده ایران در نگاه The Atlantic

۱۰

تهدید هسته‌ای و زبان اجبار – بازنمایی ایران در Newsweek

۱۱

جمع بندی

۱۲

منابع

این خبرنامه، بازتاب گزیده‌ای از آن چیزی است که در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵ در رسانه‌های عمده غربی درباره ایران منتشر شده و متن‌شان در دسترس است. تصویر حاصل، ایران را در سه سطح بازنمایی می‌کند: به‌عنوان گرهی در شبکه‌های غیرشفاف نفتی و امنیتی، به‌عنوان میدان رقابت ژئوپلیتیک و جنگ نیابتی، و به‌عنوان خاطره‌ای فرهنگی از «عصر طلایی» و آینده‌ای ممکن.

در سطح سخت قدرت، RFE/RL و CNBC بر «ناوگان سایه» نفتی ایران در کارائیب و ونزوئلا تمرکز می‌کنند؛ روایتی که در آن ایران بیشتر به‌صورت یک بازیگر پنهان و نزدیک به «تروریسم» و دور زدن تحریم‌ها تصویر می‌شود تا یک کنشگر عادی بازار انرژی. در سطح امنیتی-نظامی، RFE/RL از یک آگهی مبهم جذب جنگجو برای روسیه در تهران به‌عنوان مصداقی از پیوندهای خطرناک میان ایران و جنگ اوکراین استفاده می‌کند، هرچند خودش هم به عدم قطعیت روایت اذعان دارد. Newsweek زبان تهدید مستقیم هسته‌ای علیه ایران را بازنمایی می‌کند و فهم افکار عمومی را در چارچوب «قدرت مجازات» می‌چیند. در مقابل، The Atlantic روایتی نرم از ایران می‌دهد؛ از خلال زندگی گوگوش، نوستالژی، رنج، و امید به آینده.

آنچه در مجموع می‌بینیم، ترکیبی است از Securitization (امنیتی‌سازی)، Personalization (شخصی‌سازی در قالب چهره‌ها) و Simplification (ساده‌سازی ساختارهای پیچیده ایران). در ادامه، هر موضوع با تفکیک رسانه، لحن، راستی‌آزمایی و شکاف‌های شناختی بررسی می‌شود.

فست فکت

ردیف	شاخص	مقدار تقریبی در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵	توضیح مختصر	نوع داده
1	تعداد قطعنامه‌ها و بیانیه‌های رسمی علیه/به نفع ایران (UN و نهادهای بین‌المللی)	حدود ۸-۱۰ قطعنامه/بیانیه مهم در ۲۰۲۵ (شورای امنیت، مجمع عمومی، شورای حقوق بشر، پارلمان اروپا)	از جمله رأی شورای امنیت برای بازگشت تحریم‌های ایران در سپتامبر ۲۰۲۵ و قطعنامه‌های حقوق بشری در شورای حقوق بشر و GA؛ در روز ۱۲ دسامبر، مورد جدید خاصی در UNSC ثبت نشده است، اما فضای پس از «snapback» سنگین است UN News U.S. Department of State Aljazeera	ترکیب داده رسمی سالانه و برآورد
2	حجم رزمایش‌های نظامی آمریکا/اسرائیل در منطقه (تعداد رزمایش، نیرو/تجهیزات)	سال ۲۰۲۵: حدود ۳-۵ رزمایش بزرگ مشترک یا هماهنگ در خاورمیانه/شرق مدیترانه با سناریوی ایران (عمدتا دریایی و هوایی)، هر کدام با چند ده فروند هواپیما و چند هزار نیرو	داده‌های باز از CENTCOM و پوشش رسانه‌ای نشان می‌دهد تمرین‌های مشترک آمریکا-اسرائیل با سناریوی ایران ادامه‌دار بوده؛ برای خود روز ۱۲ دسامبر رزمایش جدید گزارش نشده، اما حضور مستمر نیروها و گشت‌ها پابرجاست	برآورد بر پایه گزارش‌های دفاعی و خبری
3	تعداد گزارش‌های رسانه‌ای جهانی با محوریت ایران (روزانه)	حدود ۱۵۰-۲۵۰ مطلب در رسانه‌های بین‌المللی انگلیسی‌زبان درجه یک و متوسط در یک روز (خبر، تحلیل، گزارش)	پایگاه‌های پایش رسانه (GDELT, Media Cloud و...)، معمولا برای کشوری مثل ایران در روزهای «غیر اوج بحران» چند صد ذکر دارد؛ اگر فقط «قطعه‌های محوریت‌یافته حول ایران» را حساب کنیم، عدد در همین حدود است	برآورد بر اساس نمونه‌گیری از پایگاه‌های رصد رسانه
4	تعداد تحریم‌های جدید یا لغوشده علیه ایران (روز/هفته)	در هفته منتهی به ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵ احتمالا ۰-۵ مورد designation جدید یا به‌روزرسانی (بیشتر در وزارت خزانه‌داری آمریکا و گاهی اتحادیه اروپا)، لغو تحریم تقریباً صفر	بعد از snapback تحریم‌های سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۲۵، روند کلی، تشدید تدریجی تحریم‌های هدفمند است؛ اما هر روز الزاما designation جدید نیست	برآورد از روی الگوی انتشار فهرست‌های تحریم
5	شاخص همکاری‌های نظامی ایران-روسیه/چین (تعداد توافقات، سطح پروژه‌ها)	۲۰۲۲-۲۰۲۵: حدود ۵-۸ توافق و تفاهم‌نامه عمده دفاعی/نظامی با روسیه (پهپاد، مهمات، آموزش) و ۳-۵ توافق مهم دفاعی/فناوری با چین (پدافند، فناوری دوگانه)	بخش زیادی از این همکاری‌ها غیرعلنی است؛ آنچه علنی می‌شود در حد توافقات کلی، رزمایش‌های مشترک دریایی با روسیه و چین در خلیج فارس/دریای عمان، و قراردادهای پهپادی با روسیه است	برآورد تحلیلی بر اساس گزارش‌های باز و ارزیابی‌های امنیتی غرب

فست فکت

ردیف	شاخص اقتصادی/مالی	مقدار تقریبی در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵	توضیح مختصر	نوع داده
6	نرخ ارز آزاد (ریال در برابر دلار)	حدود ۶۰۰-۷۰۰ هزار ریال برای هر دلار (بازار غیررسمی)	روند تضعیف ریال پس از تشدید تحریم‌ها، کسری بودجه مزمن و انتظارات تورمی، عدد را در اواخر ۲۰۲۵ احتمالاً در این بازه قرار داده است	برآورد بر اساس روند چندساله و گزارش‌های غیررسمی بازار
	نرخ رسمی (نیمایی یا مبنای واردات)	حدود ۴۵-۵۵ هزار ریال برای هر دلار	فاصله قابل‌توجه میان نرخ رسمی و آزاد، مشابه سال‌های قبل، ادامه دارد	برآورد براساس الگوی نرخ‌های رسمی گذشته
7	حجم صادرات نفت خام ایران	حدود ۱/۵-۲/۰ میلیون بشکه در روز در اواخر ۲۰۲۵	گزارش‌های تحلیلی بازار و نهادهای آمریکایی پس از کاهش سخت‌گیرانه، هنوز از صادرات بالای یک میلیون بشکه در روز (بخش عمده به چین، بخش‌هایی با شبکه‌های «shadow fleet») سخن می‌گویند Aljazeera	برآورد مبتنی بر رصد تانکرها و گزارش‌های انرژی
	صادرات گاز	صادرات گاز فرامرزی (خط لوله/برق) در حد ده‌ها میلیون مترمکعب در روز، اما سهم ایران در بازار جهانی LNG ناچیز است	ساختار صادرات گاز ایران عمدتاً منطقه‌ای و محدود است	ترکیب داده‌های رسمی و برآورد
8	قیمت جهانی نفت	برنت: حدود ۷۵-۸۵ دلار در هر بشکه در حوالی دسامبر ۲۰۲۵	در سناریوی تشدید ریسک‌های ژئوپلیتیک و محدودیت عرضه، قیمت‌ها در نیمه دوم ۲۰۲۵ در بازه متوسط-بالا قرار دارد	برآورد بر اساس روندهای گزارش اوپک و بازار
	قیمت جهانی گاز	قیمت گاز اروپا (TTF): سطحی پایین‌تر از اوج ۲۰۲۲-۲۰۲۳، ولی هنوز بالاتر از میانگین دهه قبل؛ مثلاً ۱۵-۲۵ یورو/MWh	بهبود ذخایر اروپا و تنوع عرضه، اما ادامه ریسک‌های ژئوپلیتیک	برآورد مبتنی بر بازارها
9	حجم تجارت ایران با ۱۰ شریک اصلی	کل تجارت سالانه حدود ۱۰۰-۱۲۰ میلیارد دلار؛ یعنی به‌طور میانگین ۸-۱۰ میلیارد دلار در ماه، حدود ۲۷۰-۳۳۰ میلیون دلار در روز	چین، امارات، روسیه، ترکیه، عراق، هند، پاکستان، افغانستان و... مهم‌ترین شرکا هستند؛ ترکیب صادرات: نفت، پتروشیمی، فلزات، واردات: کالاهای واسطه‌ای، مصرفی، ماشین‌آلات	برآورد بر پایه داده‌های گمرک و گزارش‌های تجاری
10	شاخص تورم جهانی مرتبط با ایران (اثر بر قیمت کالاهای وارداتی ایران)	تورم وارداتی در ایران احتمالاً بالای ۳۰-۴۰ درصد سالانه، با توجه به ضعف ریال و هزینه نقل‌وانتقال در شرایط تحریم	افزایش هزینه لجستیک، بیمه، تخفیف‌های اجباری، و هزینه مبادلات غیررسمی، قیمت تمام‌شده واردات را به‌شدت بالا می‌برد، حتی اگر تورم جهانی کاهش یابد	استنباط از ترکیب تورم داخلی، نرخ ارز و هزینه‌های تحریم

فست فکت

نوع داده	توضیح مختصر	مقدار تقریبی در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵	شاخص رسانه‌ای/افکار عمومی	ردیف
برآورد مبتنی بر پایش نمونه‌ای	شامل خبرهای کوتاه، تحلیل‌ها، یادداشت‌ها، و گزارش‌های موضوعی؛ در روزهای بحران (حمله، توافق) این عدد چند برابر می‌شود	برای رسانه‌های درجه یک انگلیسی‌زبان (Reuters, AP, AFP, NYT, WaPo, BBC, CNN و...): حدود ۳۰-۶۰ مطلب در روز	تعداد مقالات/گزارش‌های رسانه‌های عمده جهان درباره ایران (روزانه)	11
برآورد مبتنی بر پروژه‌های Sentiment Analysis روی خبرهای ایران در سال‌های اخیر	ایران عمدتاً در زمینه‌هایی مثل برنامه هسته‌ای، تحریم، حقوق بشر و امنیت منطقه‌ای پوشش داده می‌شود؛ پوشش‌های مثبت/خنثی بیشتر در حوزه‌های فرهنگی، تاریخی و علمی است	حدود ۵۰-۶۵٪ منفی، ۳۰-۴۰٪ خنثی، ۵-۱۵٪ مثبت	شاخص احساسات رسانه‌ای درباره ایران	12
برآورد بر پایه تجربه دوره‌های خبری قبلی	«ایران» به عنوان کلمه کلیدی، به صورت دائمی در سطحی از گفت‌وگوها حضور دارد اما همیشه در لیست ترند جهانی نیست	در روزهای عادی: ۳۰-۳۰۰ هشتگ جهانی در X/Twitter یا TikTok؛ در زمان بحران/اعتراض: تا ده‌ها هشتگ	تعداد ترندهای شبکه‌های اجتماعی جهانی مرتبط با ایران (روزانه)	13
برآورد بر اساس داده‌های همگانی پلتفرم‌ها و مقایسه با کشورهایی با سطح بحران مشابه	یک خبر بزرگ درباره ایران در یک شبکه اجتماعی می‌تواند به تنهایی میلیون‌ها تعامل بگیرد؛ مجموع تعامل روزانه در همه پلتفرم‌ها و رسانه‌ها به راحتی به ده‌ها میلیون می‌رسد	احتمالاً چند ده میلیون نمایش و چند میلیون تعامل (کلیک، لایک، اشتراک‌گذاری) در روز در سطح جهانی	حجم بازدید/تعامل کاربران جهانی با اخبار ایران	14
نوع داده	توضیح مختصر	مقدار تقریبی در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵	شاخص اجتماعی/فرهنگی	ردیف
برآورد	تیم‌های ملی و باشگاهی ایران در فوتبال، والیبال، کشتی و... در سال حدود صدها مسابقه بین‌المللی دارند؛ در هریک از روزهای تقویم، معمولاً چند مسابقه جریان دارد	در یک روز عادی زمستانی: ده‌ها بازی در رده‌های مختلف (لیگ‌های آسیایی، تورنمنت‌های بین‌المللی، رقابت‌های انفرادی)، ۱-۳ رویداد با پوشش رسانه‌ای جهانی	رویدادهای ورزشی بین‌المللی با حضور ایران (بازی‌ها، مسابقات)	15
برآورد بر اساس روند حضور زنان ایرانی در ورزش، هنر و علم	در یک روز خاص مثل ۱۲ دسامبر، احتمالاً ده‌ها حضور (رقابت، ارائه، جشنواره) در گوشه‌وکنار جهان وجود دارد	سالانه چند صد ورزشکار زن در سطح بین‌المللی؛ ده‌ها هنرمند؛ ده‌ها پژوهشگر در کنفرانس‌های علمی بین‌المللی	مشارکت زنان ایرانی در رویدادهای جهانی	16
برآورد براساس الگوهای انتشار سالانه	در حوالی دسامبر، با توجه به snapback تحریم‌ها و وضعیت حقوق بشر، احتمالاً چند گزارش تازه یا به‌روزرسانی منتشر شده است	در طول سال ۲۰۲۵: ده‌ها گزارش/بیانیه (عفو بین‌الملل، HRW، گزارشگر ویژه سازمان ملل، سازمان‌های تخصصی مثل RSF و...)	گزارش‌های حقوق بشری درباره ایران (سازمان‌های بین‌المللی/NGOها)	17
استنباط از داده‌های سالانه و روند چندساله	داده‌های Eurostat، UNHCR و کشورهای مثل کانادا/آلمان نشان می‌دهد روند افزایشی مهاجرت ایرانیان ادامه دارد؛ برای یک روز، چند صد تا چند هزار درخواست ثبت می‌شود	سالانه ده‌ها هزار درخواست پناهندگی/اقامت؛ تداوم موج مهاجرت نخبگان و طبقه متوسط	شاخص مهاجرت ایرانیان به خارج	18
نوع داده	توضیح مختصر	مقدار تقریبی در ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵	شاخص علمی/فناورانه	ردیف
داده‌های سالانه Scopus/ISI + تقسیم روزانه	ایران در دهه گذشته جزو ۱۵-۲۰ کشور اول جهان از نظر تعداد مقالات بوده است؛ کیفیت و استنادپذیری بحث دیگری است، اما تولید کمی بالاست	تولید سالانه ایران در Scopus/ISI حدود ۶۰-۹۰ هزار مقاله؛ یعنی حدود ۱۶۰-۲۵۰ مقاله در روز	تعداد مقالات علمی ایرانی در ژورنال‌های بین‌المللی (ISI/Scopus)	19
برآورد براساس داده‌های پایگاه‌های همکاری علمی و خبرهای دانشگاهی	در یک روز خاص، احتمالاً چند قرارداد، نشست یا پروژه مشترک در جریان است؛ اما واجد publicity محدود	ده‌ها پروژه مشترک پژوهشی، قراردادهای دانشگاهی و فناورانه با چین، روسیه، هند، ترکیه و... در سطح سالانه	شاخص همکاری‌های فناورانه ایران با دیگر کشورها	20

«ناوگان سایه» نفتی ایران و توقیف نفتکش Skipper در کارائیب

در ۱۰-۱۱ دسامبر ۲۰۲۵، نیروهای آمریکایی در نزدیکی سواحل ونزوئلا نفتکش بزرگی به نام Skipper را توقیف کردند. این کشتی از ۲۰۲۲ تحت تحریم وزارت خزانه‌داری آمریکا بوده و طبق داده‌های شرکت‌های رهگیری کشتی، در سال‌های اخیر بارها موقعیت واقعی خود را پنهان کرده و نفت تحریم‌شده ایران و ونزوئلا را جابه‌جا کرد. این عملیات در متن تشدید فشار واشنگتن بر تهران و کاراکاس، و سیاست «فشار حداکثری» بر صادرات نفت ایران انجام می‌شود. مسئله در این پوشش‌ها، چگونگی تصویر شدن ایران به‌عنوان مغز متفکر یک شبکه مخفی، و میزان دقت در توصیف سازوکارهای فنی و سیاسی این شبکه است.

RFE/RL – «Tanker Seized By US Off Venezuela Was Part Of Iranian Shadow Fleet

RFE/RL در این گزارش، Skipper را به‌عنوان بخشی از یک «Shadow Fleet» توصیف می‌کند که هدف آن دور زدن تحریم‌ها و تأمین مالی سپاه قدس و حزب‌الله است. متن بر روایت وزارت خزانه‌داری آمریکا تکیه دارد: شبکه‌ای «وسیع و پیچیده» از شرکت‌های صوری در جزایر مارشال، موریس و سنگاپور، روش‌هایی چون «Blending Oil» برای مخفی‌کردن منشأ ایرانی محموله و تغییر مکرر پرچم و مدیریت کشتی. گزارش، Viktor Artemov، تبعه اوکراینی، را به‌عنوان فرد کلیدی معرفی می‌کند و از او به‌عنوان حلقه وصل ایران، حزب‌الله و شبکه‌های مالی بین‌المللی نام می‌برد. در پایان، با ارجاع به برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا، افزایش درآمد نفتی ایران را در ۲۰۲۴ (حدود ۴۳ میلیارد دلار) برجسته می‌کند و توقیف Skipper را ضربه‌ای به این درآمد و به‌ویژه سهم سپاه در صادرات می‌خواند.

از منظر لحن، این متن کاملاً در چارچوب «Securitization» است: واژگانی مانند «Illegally Smuggling»، «Shadow Fleet»، «Supporting Foreign Terrorist Organizations» و نسبت دادن مستقیم شبکه به IRGC-QF و حزب‌الله، ایران را از سطح یک بازیگر تحریم‌شده به سطح یک تهدید امنیتی-تروریستی می‌برد. اتکای سنگین به زبان تحریم‌گذار (Treasury, OFAC) و عدم حضور روایت حقوقی مستقل، نشان می‌دهد که چارچوب شناختی متن، همان چارچوب سیاست‌گذار آمریکاست، نه یک چارچوب تحلیلی مستقل.

CNBC – «Seized Oil Tanker Skipper Hid Location, Visited Iran, Venezuela

گزارش CNBC بر وجه تکنیکی و تجاری ماجرا تمرکز دارد. این رسانه با استفاده از داده‌های Kpler و MarineTraffic، الگوی «Skipper» AIS Spoofing را شرح می‌دهد: بیش از ۸۰ روز جعل موقعیت در دو سال اخیر، بارگیری ۱.۱ میلیون بشکه نفت در نوامبر، و سفرهای متعدد به بنادر José در ونزوئلا، خارک در ایران، و بنادر سوریه و آفریقای غربی. CNBC مالکیت کشتی را به Triton Navigation Corp (ثبت‌شده در جزایر مارشال و تحریم‌شده از ۲۰۲۲) و مدیریت و مالکیت عملیاتی آن را به Thomarose Global Ventures در نیجریه نسبت می‌دهد. نقل قول از تحلیلگران Kpler بر این نکته تأکید می‌کند که Skipper «عمداً به‌گونه‌ای طراحی شده بود که خارج از شفافیت عمل کند» و نقش آن را در جابه‌جایی نفت تحریم‌شده ایران و ونزوئلا برجسته می‌کند.

لحن CNBC تکنوکراتیک و بازارمحور است: اصطلاحاتی مانند «Clear Pattern Of Deceptive Operations» و «Sanctioned Crude Flows» در کنار تحلیل تأثیر سیاسی توقیف بر درآمد دولت مادورو و واکنش احتمالی چین. در این متن، ایران بیشتر به‌عنوان یکی از دو تولیدکننده تحریم‌شده در یک زنجیره تجاری دیده می‌شود؛ تمرکز اصلی بر مکانیزم بازار، ریسک تجاری و پیام بازدارنده برای دیگر بازیگران «Shadow Fleet» است، نه بر ایران به‌عنوان سوژه اخلاقی-سیاسی.

«ناوگان سایه» نفتی ایران و توقیف نفتکش Skipper در کارائیب

راستی‌آزمایی کوتاه

۱. تحریم و نقش Skipper:

- داده‌های تحریم OFAC درباره کشتی‌های مرتبط با شبکه‌های صادرات نفت ایران و ونزوئلا، و استفاده از شرکت‌های پوششی در جزایر مارشال و غیره، با آنچه RFE/RL و CNBC نقل می‌کنند سازگار است. الگوهای AIS Spoofing برای کشتی‌های Shadow Fleet نیز در گزارش‌های مستقل دریایی مستند شده است.
- برآورد ۴۳ میلیارد دلار درآمد نفتی ایران در ۲۰۲۴ توسط EIA، با روند کلی افزایش صادرات نفت ایران در سال‌های اخیر همخوان است، هرچند عدم شفافیت داده‌ها و فروش‌های غیررسمی، میزان دقت عدد را محدود می‌کند.
- ۲. نقش مستقیم ایران:

- هر دو گزارش، بر اساس قوانین تحریم و شبکه‌های مالکیت و مسیرهای بارگیری، ارتباط کشتی با صادرات نفت ایران را مدل‌سازی می‌کنند. اما هیچ‌یک سند مستقیمی در حد قرارداد یا اسناد مالکیت دولتی ارائه نمی‌کنند؛ ارتباط با IRGC و حزب‌الله از فهرست تحریم‌های خزانه‌داری (که خود ابزار سیاست است) اخذ شده، نه از یک تحقیق قضایی مستقل.
- موارد مغفول و ناگفته مهم

- بُعد حقوق بین‌الملل و دیدگاه‌های غیرآمریکایی: هیچ‌کدام از دو گزارش به ارزیابی حقوقی توقیف کشتی در آب‌های نزدیک ونزوئلا از منظر حقوق دریاها و واکنش کشورهای ثالث (مثلا در آمریکای لاتین، یا چین به‌عنوان خریدار) نمی‌پردازند. برچسب «Piracy» که ونزوئلا استفاده کرده، در RFE/RL فقط نقل می‌شود و باز نمی‌شود.
- منطق اقتصادی ایران: توضیح نمی‌دهند که در چارچوب تحریم‌ها، اقتصاد ایران چه گزینه‌های جایگزینی واقعا در اختیار دارد و چرا «ناوگان سایه» و شرکت‌های پوششی به‌لحاظ انگیزه‌های اقتصادی و بودجه‌ای برای تهران جذاب‌اند. این حذف، به مخاطب القا می‌کند که ایران صرفا به‌خاطر «بدطیبتی» یا «تروریسم» این کار را می‌کند، نه در متن یک انتخاب بین بد و بدتر.
- تفاوت نقش دولت و بازیگران غیردولتی: در هر دو متن، مرز بین آنچه «دولت ایران» مستقیما انجام می‌دهد و آنچه شبکه‌های نیمه‌خصوصی یا افراد تحریم‌شده انجام می‌دهند، چندان تفکیک نمی‌شود. این، در سطح ادراک شناختی، یک «Black Box» می‌سازد که در آن «ایران» یک عامل واحد، منسجم و همه‌جا حاضر است.
- هزینه‌های انسانی و زیست‌محیطی: بحثی از وضعیت خدمه، ریسک‌های ایمنی و زیست‌محیطی جابه‌جایی پنهان نفت (مثلا در Ship-To-Ship Transferهای بدون نظارت) وجود ندارد؛ تمرکز بر امنیت و سیاست است، نه بر انسان‌ها و محیط زیست.

شکاف راستی‌آزمایی	منبع شواهد	میزان دیده شدن	سازوکار بازنمایی	رسانه
فقدان نگاه حقوق بین‌الملل، تفکیک ناکافی میان روایت سیاسی و واقعیت اقتصادی	بیانیه‌های خزانه‌داری آمریکا، برآورد EIA، گفت‌وگو با تحلیلگر	مخاطبان حوزه شرق اروپا و ایران‌پژوهان، اثرگذاری سیاسی-امنیتی	امنیتی‌سازی، اتصال به IRGC و حزب‌الله، زبان تحریم‌گذار	RFE/RL
عدم ورود به منطق سیاست تحریم، سکوت نسبت به روایت دیگر کشورها و ایران	داده‌های Kpler، MarineTraffic، اظهارات تحلیلگران بازار	مخاطبان مالی و انرژی، اثرگذاری روی درک ریسک کشتیرانی	تمرکز بر داده‌های AIS و تجارت، روایت ریسک بازار	CNBC

جذب جنگجو برای روسیه در جنگ اوکراین از ایران

در حوالی سفارت روسیه در تهران، یک آگهی کاغذی جذب نیرو ظاهر شده که وعده ۲۰ هزار دلار پاداش و حدود ۲ هزار دلار حقوق ماهانه به ایرانیانی می‌دهد که حاضر شوند در جنگ اوکراین در کنار روسیه بجنگند. این آگهی خود را وابسته به وزارت دفاع روسیه معرفی می‌کند، اما مشخصات تماس آن تنها یک شماره واتساپ ثبت شده در ارمنستان، یک ایمیل جیمیل و یک کانال تلگرام است. سفارت روسیه آگهی را جعلی و «جنایی» خوانده است. RFE/RL در قالب «Farda Briefing» این ماجرا را در متن روند گسترده‌تر جذب مزدور توسط روسیه از کشورهای فقیرتر قرار می‌دهد.

RFE/RL – «Is Russia Hunting For Fighters In Iran?»

این گزارش در قالب یک خبرنامه تحلیلی، آگهی مذکور را به‌عنوان «Shadow Job Ad» معرفی می‌کند و آن را در خاکستری میان «محتمل» و «مضحک» قرار می‌دهد. جزئیات آگهی (سن ۱۸ تا ۴۵ سال، اولویت برای زنان با تخصص پزشکی، وعده مسکن و کلاس زبان، کسر کمبسیون از اولین حقوق) با دقت ذکر می‌شود. نویسنده با فرد پشت شماره واتساپ تماس گرفته؛ او ادعا کرده آگهی رسمی و هماهنگ با مقامات ایرانی است، اما مدرکی ارائه نکرده. سفارت روسیه آگهی را تقبیح و آن را جعلی و جنایی خوانده است. RFE/RL سپس این مورد را در زمینه وسیع‌تر استفاده روسیه از نیروهای خارجی از کوبا، سوریه، آسیای مرکزی، نپال، کنیا و ... قرار می‌دهد. لحن متن ترکیبی است از شکاکیت و هشدار: چند بار تأکید می‌کند که «نمی‌توان اصلت آگهی را تأیید کرد»، اما هم‌زمان آن را در چارچوب «الگوی بزرگ‌تر» جذب مزدور توسط روسیه می‌نشانند. از منظر شناختی، این تکنیک Prime کردن مخاطب است: حتی اگر این آگهی خاص جعلی باشد، ذهن مخاطب با ایده «روسیه در ایران دنبال سرباز است» آماده می‌شود. استفاده از اعدادی مانند «۱۸ هزار نیروی خارجی از ۱۲۸ کشور» و «بیش از ۱۱ هزار کره شمالی» وزن تهدید را به‌صورت عددی تقویت می‌کند.

راستی‌آزمایی کوتاه

- وجود آگهی: RFE/RL به‌صورت مستقیم به آگهی، شماره واتساپ و کانال تلگرام اشاره می‌کند و با فرد پشت آن تماس می‌گیرد. این حداقل معیار گزارش میدانی است. اما چون منبع دیگری برای این آگهی ارائه نشده، صحت منشأ رسمی آن همچنان در حد ادعاست.
- تکذیب سفارت روسیه: تکذیب رسمی سفارت یک داده قابل اتکا از نظر «گفته‌شدن» است (یعنی سفارت این را گفته)، اما به‌خودی خود، حقیقت را تعیین نمی‌کند. RFE/RL این محدودیت را می‌پذیرد و صریحاً می‌نویسد که نمی‌تواند اصلت آگهی را تأیید کند.
- الگوی جذب نیرو: ادعای استفاده روسیه از نیروهای خارجی در اوکراین، بر اساس گزارش‌های متعدد دیگر (خارج از این لینک) قابل تأیید است، اما جزئیات عددی (۱۸ هزار نفر از ۱۲۸ کشور) به نقل از مقامات اوکراینی است و در متن هم دقیقاً همین نسبت (به‌عنوان ادعای اوکراین) ذکر می‌شود؛ یعنی به‌لحاظ روشی از «Fact» به‌عنوان «Claimed Fact» تفکیک می‌شود.

موارد مغفول و ناگفته مهم

- واکنش رسمی ایران: گزارش تصریح می‌کند «مقامات ایرانی هنوز علناً اظهارنظری نکرده‌اند»، اما هیچ تلاشی دیده‌شده‌ای برای اخذ نظر مقام رسمی ایرانی (مثلاً وزارت خارجه) ذکر نمی‌شود. این خلأ باعث می‌شود ذهن مخاطب، سکوت ایران را به‌صورت «همدستی احتمالی» تفسیر کند؛ یک نمونه از Bias نوع «Argument From Silence».
- ابعاد حقوقی برای شهروندان ایرانی: بحثی درباره پیامدهای حقوقی و امنیتی پیوستن شهروندان ایرانی به جنگ اوکراین در کنار روسیه (مثلاً طبق قوانین ایران یا اوکراین) مطرح نمی‌شود؛ در حالی که این می‌توانست زاویه مهمی از گزارش باشد.
- انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی مخاطبان احتمالی: متن فرض می‌گیرد که پیشنهاد پول زیاد برای ایرانیان «با چشم‌انداز اقتصادی محدود» جذاب است، اما هیچ تحلیل جامعه‌شناختی از این‌که چه گروه‌هایی در ایران به‌طور واقعی در چنین بازار سیاهی هدف قرار می‌گیرند نمی‌دهد. این حذف، به نوعی «Homogenization» جامعه ایران می‌انجامد.

اشاره شناختی به نیت رسانه

این متن از مکانیسم Framing بهره می‌برد: قاب اصلی، «ایران به‌عنوان میدان شکار نیروی انسانی برای جنگ روسیه» است، نه «یک آگهی مشکوک که ممکن است Scam باشد». تکنیک دیگری که دیده می‌شود «Availability Heuristic» است؛ خواننده، در پس‌زمینه اخبار فراوان درباره همکاری نظامی ایران و روسیه (پهپادها و ...)، آمادگی ذهنی دارد که این آگهی را یک حلقه دیگر در زنجیره بداند، حتی اگر مدرک کافی نباشد. خود متن با تأکید مکرر بر الگوهای جذب در کوبا، سوریه و ... این Heuristic را تغذیه می‌کند.

شکاف راستی‌آزمایی	منبع شواهد	میزان دیده شدن	سازوکار بازنمایی	رسانه
عدم دریافت موضع رسمی ایران، نبود منبع مستقل دیگر برای آگهی، انکای پررنگ به ادعاهای اوکراین و غرب	آگهی میدانی، تماس با شماره واتساپ، تکذیب سفارت روسیه، نقل قول کارشناسان	مخاطبان فارسی‌زبان و ایران‌پژوه، نفوذ قوی در جوامع مهاجر	قاب‌بندی در چارچوب الگوی بزرگ‌تر جذب مزدور، لحن هشدارآمیز با اعتراف به عدم قطعیت	RFE/RL (Farda Briefing)

گوگوش، «عصر طلایی» و آینده ایران در نگاه The Atlantic

The Atlantic در یک مقاله بلند در بخش کتاب، به بهانه انتشار خاطرات گوگوش، تصویری از ایران قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ می‌دهد. گوگوش هم‌زمان به‌عنوان «بزرگ‌ترین ستاره پاپ تاریخ ایران» و نماد نوعی «ایران مطلوب» معرفی می‌شود: کشوری با رشد اقتصادی بالا، لیبرالیسم اجتماعی و حیات فرهنگی پرشور در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، که با انقلاب و جمهوری اسلامی دگرگون شده است. متن، زندگی شخصی، رنج‌ها و ازدواج‌های گوگوش را به تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران گره می‌زند و در نهایت او را نماد امید به آینده و همزیستی روایت می‌کند.

The Atlantic – «The Star Who Represents Iran's Golden Age – And Its Future»

مقاله آرش عزیزی، گوگوش را نه فقط خواننده، که نقش‌مایه جمعی معرفی می‌کند که «در کشوری قطبی، شکاف‌ها را پر می‌کند». نویسنده از تجربه رشد خود در تهران دهه ۱۹۹۰ می‌گوید که چگونه موسیقی ممنوعه گوگوش با وجود ممنوعیت رسمی، در زندگی همه نسل‌ها حضور داشت. متن با توصیف «نوستالژی فراگیر برای رفاه پیش از انقلاب» سعی می‌کند به خواننده غربی توضیح دهد چرا بسیاری از ایرانیان از «ایران دهه ۷۰ میلادی» تصویری طلایی دارند، بدون آن‌که لزوماً حامی حکومت پهلوی باشند. سپس زندگی سخت و خشونت‌بار گوگوش - از کودکی در کاباره‌ها، ازدواج‌های پرازار، و ممنوع‌الکاری پس از انقلاب - را روایت می‌کند و آن را در متن سرنوشت ایران قرار می‌دهد: شکوفایی، سرکوب، تاب‌آوری و بازگشت در تبعید.

لحن مقاله همدلانه، شخصی و Narrative-Driven است. خشونت جمهوری اسلامی علیه هنر و زنان (ممنوعیت آواز زنان، بازداشت خوانندگان زن در ۱۳۵۹-۱۳۶۰، تخریب شخصیت) برجسته می‌شود، اما هم‌زمان نویسنده از علاقه برخی مذهبی‌ها، از جمله خویشاوندان آیت‌الله خمینی، به گوگوش می‌گوید تا نشان دهد وفاداری به جمهوری اسلامی لزوماً نفی فرهنگ پیش از انقلاب نیست. از منظر شناختی، این متن نمونه کلاسیک «Storytelling As Framing» است: پیچیدگی جامعه ایران از طریق زندگی یک نفر برای مخاطب غربی قابل لمس می‌شود.

راستی‌آزمایی کوتاه

• حقایق تاریخی اصلی:

- ممنوعیت تک‌خوانی زنان پس از انقلاب، ممنوع‌الکاری گوگوش تا ۲۰۰۰، و شهرت او در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ با فیلم‌ها و کنسرت‌ها، با شواهد متعدد تاریخی و خاطرات دیگران سازگار است.
- حضور اقتصاد ایران در دهه ۷۰ میلادی در وضعیت رشد بالای نفتی و افزایش سطح زندگی، به‌طور کلی درست است، هرچند درباره توزیع این رفاه و جنبه‌های سرکوب سیاسی، مقاله به‌طور نسبی سخن می‌گوید، نه جامع.
- ابعاد شخصی و عاطفی:
- روایت‌های مربوط به ازدواج‌ها، اعتیاد همسران، و مدیریت مالی، عمدتاً بر نقل قول خود گوگوش در کتاب خاطراتش استوار است. این‌ها از نظر Fact-Check به‌عنوان «ادعای فرد» معتبر است، اما جای روایت همسران و مخالفان نیز خالی است.

موارد مغفول و ناگفته مهم

- طبقات فرودست و حاشیه‌ها در «عصر طلایی»: مقاله به نوستالژی رفاه و آزادی در دهه ۷۰ میلادی اشاره می‌کند، اما کمتر به این می‌پردازد که این تجربه متعلق به کدام طبقات، شهرها و گروه‌های قومی بوده است. این حذف، از منظر شناختی، «Nostalgia Bias» را تقویت می‌کند: مخاطب ممکن است گمان کند اکثریت جامعه چنین تجربه‌ای داشته‌اند.
- حضور موسیقی بعد از انقلاب در داخل کشور: متن درباره ممنوعیت و سرکوب درست می‌گوید، اما به تکامل موسیقی پاپ، راک و زیرزمینی در دهه‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۰ نمی‌پردازد. نتیجه این است که ذهن مخاطب غربی، ایران پس از انقلاب را تا حد زیادی «ساکت» و تهی از موسیقی می‌بیند، و فقط تبعید را فضای موسیقی می‌انگارد.
- تعدد روایت‌ها درباره گوگوش: دیگر دیدگاه‌ها در فضای اپوزیسیون (مثلاً انتقاد از برخی انتخاب‌های سیاسی یا رسانه‌ای او) در مقاله غایب است. این غیاب، تصویر او را به «نماد تقریباً بی‌چالش» تبدیل می‌کند.

اشاره شناختی به نیت رسانه

The Atlantic اینجا از تکنیک «Symbolic Condensation» استفاده می‌کند: ایران در چهره یک فرد متراکم می‌شود. این تکنیک، بار شناختی مخاطب را کم می‌کند (به‌جای مواجهه با ساختارهای پیچیده سیاسی، با زندگی یک انسان مواجه می‌شود) اما هزینه آن، شخصی‌سازی و ساده‌سازی است. از منظر علوم شناختی، مقاله به‌شدت روی «Emotional Salience» سرمایه‌گذاری می‌کند: رنج کودک-ستاره، عشق‌های شکست‌خورده، ممنوع‌الکاری، بازگشت پیروزمندانه؛ همه این‌ها برای ساختن یک «Narrative Schema» به کار می‌روند که بعداً هر خبر دیگری درباره ایران (مثلاً سرکوب زنان، اعتراضات) در ذهن خواننده در آن چارچوب تفسیر می‌شود.

شکاف راستی‌آزمایی	منبع شواهد	میزان دیده شدن	سازوکار بازنمایی	رسانه
کم‌رنگ بودن تجربه طبقات فرودست، غیاب روایت‌های انتقادی از گوگوش، اختصار در تحلیل ساختارهای اقتصادی-سیاسی آن دوران	کتاب خاطرات گوگوش، دانش نویسنده از تاریخ معاصر، منابع تاریخی عمومی	مخاطبان لیبرال-نخبگانی غرب، اثرگذاری بلندمدت بر تصویر فرهنگی ایران	شخصی‌سازی ایران در قالب زندگی گوگوش، نوستالژی و روایت امید	The Atlantic

تهدید هسته‌ای و زبان اجبار - بازنمایی ایران در Newsweek

Newsweek گزارش کوتاهی از سخنان دونالد ترامپ منتشر کرده در آن هشدار می‌دهد اگر ایران بخواهد بدون توافق، برنامه هسته‌ای خود را احیا کند، با «ضربه ویرانگر دیگری» روبه‌رو خواهد شد. ترامپ مدعی است حملات ماه ژوئن توسط آمریکا و اسرائیل «توان هسته‌ای ایران را نابود کرده» و می‌گوید ایران فرصت توافق بدون تلفات را از دست داده است. متن، بیشتر نقل قول مستقیم است تا تحلیل؛ ایران در این قاب، به‌عنوان هدف بالقوه حمله پیش‌دستانه و بازیگری که «تنها زبان زور را می‌فهمد» ظاهر می‌شود.

Newsweek – «Trump Issues New Threat Against Iran Nuclear Plans»

گزارش Newsweek تقریباً تماماً حول نقل قول‌های ترامپ از یک نشست خبری در کاخ سفید می‌گردد. ترامپ می‌گوید اگر ایران بدون توافق به دنبال احیای برنامه هسته‌ای خود برود، «آن را نیز نابود خواهیم کرد». او مدعی است حملات مشترک آمریکا و اسرائیل در ژوئن «توان هسته‌ای ایران را از بین برده» و تلفات و خسارات سنگینی به ایران وارد کرده که می‌توانست با پذیرش توافق از آن اجتناب کند. گزارش اشاره می‌کند که رهبر ایران نگرانی از جنگ را «تبلیغات» خوانده است، اما وارد جزئیات موضع تهران، وضعیت فنی برنامه هسته‌ای یا ارزیابی‌های مستقل نمی‌شود. لحن متن خنثی-خبری است، اما با توجه به کوتاهی و فقدان زمینه تحلیلی، عملاً صحنه را در اختیار روایت ترامپ می‌گذارد. ساختار گزارش (تیتیر تهدید، سپس نقل قول‌های تند درباره «نابودی کامل» و «مرگ و تخریب»، بدون ارجاع به ارزیابی‌های آژانس یا کارشناسان مستقل) باعث می‌شود خواننده به‌صورت ناخودآگاه، قدرت تخریبی و مشروعیت اقدام نظامی را بزرگ‌نمایی کند. اینجا «Authority Bias» (اعتماد به سخن رئیس‌جمهور) و «Negativity Bias» (توجه بیشتر به تهدید و خشونت) فعال می‌شود.

راستی‌آزمایی کوتاه

- ادعای نابودی کامل توان هسته‌ای ایران: هیچ منبع مستقل فنی (مثلاً آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مؤسسات تخصصی) این ادعا را تأیید نکرده که «توان هسته‌ای ایران نابود شده»؛ حتی پس از حملات، گزارش‌ها معمولاً از «آسیب به زیرساخت‌ها» و «کند شدن برنامه» سخن می‌گویند، نه «از بین رفتن کامل». خود متن Newsweek هم این ادعا را تنها به‌عنوان نقل قول ترامپ می‌آورد و آن را به‌عنوان «Fact» تأیید نمی‌کند.
 - ادعای آمادگی ایران برای توافق: این‌که «ایران اکنون مشتاق توافق است» ادعای سیاسی ترامپ است و در متن، شاهد مستقلی برای آن ارائه نمی‌شود. برای ارزیابی این ادعا به داده‌هایی از مذاکرات، کانال‌های دیپلماتیک و تحلیل‌گران نیاز است که در این گزارش غایب‌اند.
- موارد مغفول و ناگفته مهم
- وضعیت واقعی برنامه هسته‌ای ایران: Newsweek هیچ اشاره‌ای به سطح غنی‌سازی، ذخایر اورانیوم، نظارت آژانس، یا نظر کارشناسان مستقل درباره اثر حملات ژوئن نمی‌کند. این Omission به خواننده اجازه نمی‌دهد ادعای «نابودی کامل» را در ذهن خود محک بزند.
 - هزینه‌های انسانی و حقوق بین‌الملل: تلفات انسانی، معیارهای حقوقی برای حمله پیش‌دستانه، و واکنش جامعه بین‌الملل به حمله مشترک آمریکا و اسرائیل، در متن محو است. در نبود این زمینه، تهدید نظامی به‌صورت یک گزینه «عادی» و بدون هزینه تصویر می‌شود.
 - موضع ایران و دیگر بازیگران: موضع تفصیلی ایران، اروپا، و منطقه درباره این حملات و تهدیدات بازگو نمی‌شود. سکوت تحلیلی در این‌جا، ذهن مخاطب را در چارچوب روایت یک‌طرفه نگه می‌دارد.

اشاره شناختی به نیت رسانه

Newsweek در این قطعه کوتاه عملاً نقش «Amplifier» تهدید را بازی می‌کند: پیام اصلی، تهدید ترامپ است که در بستری حداقلی بازتاب می‌یابد. این نوع پوشش، از منظر علوم شناختی، در فعال کردن «Threat Schema» نسبت به ایران نقش دارد: هر بار که مخاطب با ایران مواجه می‌شود، احتمال تداعی «هسته‌ای/تهدید/حمله» افزایش می‌یابد. فقدان زمینه تحلیلی، «Information Gap» می‌سازد که اغلب توسط کلیشه‌های پیشینی مخاطب پر می‌شود.

رسانه	سازوکار بازنمایی	میزان دیده شدن	منبع شواهد	شکاف راستی‌آزمایی
Newsweek	تقویت تهدید لفظی ترامپ، تمرکز بر نقل قول بدون زمینه فنی	مخاطبان عمومی خبری، با ضریب نفوذ بالا در فضای آنلاین	کنفرانس خبری ترامپ، اشاره مختصر به موضع رهبر ایران	عدم سنجش ادعا با داده‌های فنی، غیاب موضع تفصیلی ایران و آژانس، سکوت درباره حقوق بین‌الملل و هزینه‌های انسانی

جمع بندی

اگر فقط همین چند گزارش را مبنا بگیریم، ایران در رسانه‌های غربی امروز عمدتاً در سه قاب دیده می‌شود: (۱) تهدید امنیتی و شبکه‌ای - در پرونده «ناوگان سایه»، ایران به‌عنوان مرکز یک شبکه پیچیده قاچاق نفت، مرتبط با حزب‌الله و سپاه قدس، و بازیگری که اقتصاد جهانی را از مسیرهای غیرشفاف تغذیه می‌کند تصویر می‌شود. RFE/RL این تصویر را با زبان تحریم‌گذار و تروریسم تقویت می‌کند و CNBC، همان پدیده را با زبان بازار، داده‌های AIS و تحریم به‌عنوان ریسک تجاری بازسازی می‌کند.

(۲) گره‌گاه جنگ‌های دیگران - در گزارش جذب جنگجو برای روسیه، ایران نه به‌عنوان کنشگر، بلکه به‌عنوان «میدان شکار نیروی انسانی» جنگ اوکراین ظاهر می‌شود. حتی در وضعیت ابهام و تکذیب رسمی، ذهن مخاطب با ایده‌ای آشنا تغذیه می‌شود: ایران و روسیه در یک جبهه‌اند، و این هم یک مصداق دیگر است. از سوی دیگر، در گزارش Newsweek، ایران به‌عنوان هدف تهدید هسته‌ای آمریکا قد علم می‌کند؛ موضوع هسته‌ای و تهدید نظامی، بار دیگر هویت رسانه‌ای ایران را در چارچوب «بحران» تعریف می‌کند.

(۳) حافظه فرهنگی و نوستالژی - The Atlantic، در تضاد با این تصاویر سخت، ایران را به‌عنوان سرزمین نوستالژی، هنر و رنج، و در عین حال امید به آینده، در چهره گوگوش مجسم می‌کند. این متن به خواننده غربی یادآوری می‌کند که ایران فقط برنامه هسته‌ای و نفتکش نیست؛ تاریخ پیچیده‌ای از آزادی و سرکوب، عشق و خیانت، و مقاومت فرهنگی دارد.

آن‌چه به‌طور سیستماتیک غایب است، بازتاب مستقیم تجربه روزمره داخل ایران، منطق اقتصادی و اجتماعی تصمیم‌گیری‌های سخت حاکمیت، و تنوع صداها در جامعه است. در سطح شناختی، سه مکانیسم مشترک دیده می‌شود:

- Securitization: ایران در قالب تهدید و بحران بازنمایی می‌شود؛ حتی نفتکش و آگهی استخدام هم به امنیت ملی و تروریسم گره می‌خورند.
 - Simplification: پیچیدگی ساختار قدرت و جامعه ایران به چند نماد (سپاه، نفتکش، گوگوش) فروکاسته می‌شود.
 - Emotional Priming: ترس (تهدید هسته‌ای، تروریسم)، خشم (دور زدن تحریم‌ها)، و نوستالژی (گوگوش) سه احساس محوری‌اند که ادراک ایران را شکل می‌دهند.
- برای مخاطب ایرانی، فهم این لایه‌ها مهم است: مسئله فقط این نیست که «چه می‌گویند»، بلکه این است که چگونه و با چه چارچوب‌های ذهنی، ایران را در مغز مخاطب جهانی حک می‌کنند.

آنچه که پیشکش شد حاصل رصد و بررسی ۵ رسانه تخصصی بین‌المللی در این زمینه از سوی تحریریه بولتن مدیران است که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

- 1- RFE/RL – Tanker Seized By US Off Venezuela Was Part Of Iranian Shadow Fleet
- 2- RFE/RL – Is Russia Hunting For Fighters In Iran? (Farda Briefing)
- 3- The Atlantic – The Star Who Represents Iran's Golden Age — And Its Future
- 4- Newsweek – Trump Issues New Threat Against Iran Nuclear Plans
- 5- CNBC – Seized Oil Tanker Skipper Hid Location, Visited Iran, Venezuela